

مطالعات عرفانی (مجله علمی)
دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه کاشان
شمارهٔ چهل و یکم، بهار و تابستان ۱۴۰۴، ص ۸۶-۵۵

نوع مقاله: علمی پژوهشی

واکاوی آراء عرفانی نظام‌الدین اولیا در تگ‌نگاری‌های مجالس او

یحیی کاردگر*

محمد فولادی**

زهره رحیمی زارع***

چکیده

چشتیه، نام سلسله‌ای از طریقت‌های صوفیه در هند است. آن‌ها مانند دیگر فرقه‌های تصوف، دارای آداب و رسوم و عقاید خاصی هستند و شریعت را بر طریقت ترجیح می‌دهند. نظام‌الدین اولیا یکی از بزرگان این فرقه در شبه‌قارهٔ هند است. اصول فرقهٔ چشتیه در مجالس و ملفوظاتش انعکاس ویژه‌ای دارد و از تگ‌نگاری‌های مجالس او به‌خوبی می‌توان اندیشه‌های او و آموزه‌های فرقهٔ چشتیه را دریافت. امیر حسن سجزی و امیر خسرو دهلوی، از مریدان او، سخنان شیخ خود را با عنوان *فوائد الفوائد*، *افضل الفوائد* و *راحة المحبین* گرد آورده‌اند. مقاله با رویکردی توصیفی، تحلیلی و تطبیقی افکار عرفانی، آموزه‌های اخلاقی و کلامی شیخ را بر مبنای این آثار بررسی و تحلیل کرده است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نظام‌الدین اولیا عارفی حنفی‌مذهب است و از دیدگاه کلامی در بحث جبر، اختیار و رؤیت خدا دنباله‌رو مکتب اشعری است. محوری‌ترین آموزه‌های نظام‌الدین، تأکید فراوان او در پایبندی به شریعت است. تأکید به انجام فرایض و مستحبات، تلاوت قرآن و توجه به اذکار از پایبندی او به شریعت حکایت می‌کند. بیان روشن احوالات و مقامات سلوک، تبیین دقیق موانع سلوک، توجه فراوان به آموزه‌های اخلاقی و سرانجام توجه به ابعاد اجتماعی انسان و پیوند آن با آموزه‌های عرفانی از مهم‌ترین نکاتی است که در مجالس شیخ برجسته شده است. از این‌رو می‌توان گفت شریعت، طریقت، اخلاق، انسان و اجتماع واژه‌های کلیدی مجالس شیخ هستند و این واژه‌ها از وسعت دید شیخ و آموزه‌های فرقهٔ چشتیه حکایت دارد.

◀ **کلیدواژه‌ها:** نظام‌الدین اولیا، مجالس صوفیانه، تگ‌نگاری، *فوائد الفوائد*، *افضل الفوائد*، *راحة المحبین*.

* استاد، بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم، قم، ایران، نویسنده مسئول، kardgar1350@yahoo.com

** دانشیار، بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم، قم، ایران، Dr.mfoladi@gmail.com

*** دانشجوی دکتری، بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم، قم، ایران، zrahimizare@gmail.com

۱. مقدمه

هند از زمان‌های قدیم مکانی مناسب برای اندیشه‌های صوفیه بوده و اصول آن را به شکل مذاهب فکری گوناگونی پرورانده است. یکی از تأثیرگذارترین طریقت‌های تصوف در هند، فرقهٔ چشتیه است. نام این فرقه برگرفته از چشت است؛ قریه‌ای در نزدیکی هرات که زادگاه بنیان‌گذار این طریقت، شیخ ابواسحاق چشتی (متوفی ۳۲۹) است. چشتیان مانند دیگر فرقه‌های تصوف، آداب و رسوم، اندیشه‌ها و عقاید مخصوص به خود بودند. آن‌ها حنفی مذهب‌اند. عقاید آن‌ها را می‌توان از خلال سخنان و مباحثی که در طی جلسات خویش داشتند؛ دریافت. گسترش این طریقت در هند، به وسیلهٔ معین‌الدین سجزی چشتی (متوفی ۶۳۳) صورت گرفت (ر.ک: آریا، ۱۳۶۵: ۷۷) و به یکی از تأثیرگذارترین سلسله‌های طریقتی در شبه‌قارهٔ هند تبدیل شد و در زمان خواجه نظام‌الدین اولیا به اوج شهرت و اعتلای خود دست یافت. ایشان «نظرات صریحی دربارهٔ شریعت و سنت ابراز می‌کردند» (دهلوی، ۱۳۸۵: ز). این فرقه به شاخه‌های چندی تقسیم شده است. طریق نظامیه یکی از شاخه‌های این فرقه است. پایه‌گذار این فرقه خواجه نظام‌الدین اولیا (متوفی ۷۲۵) است. نام اصلی وی، محمد و نژادش به چند واسطه به حضرت امام هادی (ع) می‌رسد. خواجه در شهر بدایون در ماه صفر سال ۶۳۴ ق متولد گردید، در این شهر بالید و مرید فریدالدین گنج‌شکر (متوفی ۶۶۴) شد. وی در وصف نظام‌الدین گفته است: «باری تعالی تو را علم و عقل و عشق داده است و هرکه بدین سه صفت موصوف باشد، از او خلافت مشایخ نیکو آید» (انوشه، ۱۳۸۰: ۲۵۵۸). نظام‌الدین عمری را صرف پرورش مریدان کرده است. در میان مریدان او امیرحسن سجزی و امیرخسرو دهلوی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. این دو اقوال، گفتار و مجالس شیخ را در قالب آثاری ثبت کردند و بنا به سنت جاافتاده در حوزهٔ ادبیات عرفانی، آثارشان را با نام ملفوظات منتشر کردند.

ملفوظات به معنی سخنان و گفتارها (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ذیل واژه «ملفوظات») و از انواع نوشته‌های عرفانی ادبی فارسی است که حاوی مسائل عرفانی، خواندن نمازها و

اذکار، توضیح مسائل اخلاقی، نقل آیات قرآن، احادیث نبوی، حکایات و اشعار عربی و فارسی است. مجموعه‌هایی که از این گونه سخنان باقی مانده، معمولاً به نام‌های تکنوگاری، معارف، مقالات، حالات، مجالس، تذکره، مقامات، سیره، مناقب، پیرنامه و ملفوظات معروف است. اهمیت ملفوظات تنها به مطالب یادشده نیست، بلکه از جهات ادبی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی نیز اهمیت فراوان دارند. تدوین ملفوظات به دو شیوه صورت می‌گرفت: نخست، گردآوری سخنان شیخ توسط یکی از اخلاف یا مریدان پس از وفات او که شامل شرح حال، تعلیم و کرامات می‌شد؛ روش دوم، ثبت سخنان شیخ بلافاصله پس از ایراد آن. از قدیمی‌ترین کتب دسته اول، می‌توان به کتاب *حالات و سخنان شیخ ابوسعید بن ابوالخیر* (متوفی ۴۴۰) تألیف جمال‌الدین ابوروح (متوفی ۵۴۱) اشاره نمود. صوفیه «کلمات بزرگان خود را مانند اخبار و احادیث ضبط کرده و در آن تصرف نمی‌کردند. اعتبار عبارات و جملات آن‌ها به گونه‌ای است که جای تردید باقی نمی‌ماند» (ارنست، ۱۹۹۲). نوشتن این گونه کتب در شبه‌قاره هند نیز معمول و متداول بود. ملفوظات شکل مکتوب تعلیم شفاهی چشتیه بود؛ که به گونه‌ای تبدیل شد که هم بر اعضای این طریقت و هم برای عموم پیروانشان جنبه مرجعیت داشت. مریدان، اقوال شیخ خود را در کتب و رسائل می‌نوشتند مثل «*جوامع الکلم*» که ملفوظات سید محمد الحسینی معروف به سید بنده‌نواز گیسودراز (۷۲۰-۸۲۵) از ۱۸ رجب ۸۰۲ تا ۲۲ ربیع‌الثانی ۸۰۳ق گردآورده پسرش سید محمد اکبر حسینی چشتی است» (انوشه، ۱۳۸۱: ۱۲۶۹). ملفوظات و مجالس نظام‌الدین اولیا بیش از سایرین مورد توجه قرار گرفته است. مهم‌ترین این آثار عبارت‌اند از:

خواجه محمد امام (۷۳۴ق) *انوار المجالس*؛ «شیخ عزالدین صوفی (۷۴۱ق) *تحفه الابرار و کرامه الاخیار*؛ عبدالعزیز بن ابوبکر مصلی بردار خواهرزاده سلطان المشایخ؛ *مجموع الفوائد*؛ خواجه شمس‌الدین دهاری *ملفوظات المشایخ*، مولانا علی بن محمود جاندار (۷۰۸ق) *خلاصة اللطایف*، مولانا علی بن محمود جاندار (۷۰۸ق) *درر نظامی* را در این موضوع تألیف کردند» (الرحمن، ۱۳۹۷: ۱۱۶). امیر خسرو دهلوی (۶۵۲-۷۲۵)

ملفوظات شیخ را در دو کتاب *افضل الفوائد* و *راحة المحبین* ثبت کرده و امیرحسن سجزی (۷۳۷ق) نیز کتاب *فوائد الفوائد* را به مجالس شیخ اختصاص داده است. با توجه به اینکه محور اصلی این مقاله بررسی سه تئنگاری از نظام‌الدین است، در ادامه، معرفی مختصری از آن‌ها ارائه می‌گردد.

فوائد الفوائد سخنان خواجه در طی پانزده سال است که به صورت یک کتاب در ۵ جلد شامل ۱۸۸ مجلس تدوین شد. «خواجه حسن، سخنان خواجه نظام‌الدین را اسرار الهی می‌داند» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۱۱۲). «وجه تسمیه کتاب را فایده گرفتن دل‌های دردمندان معرفی می‌کند» (همان: ۱). امیرخسرو دهلوی نیز برای ادای احترام به شیخ، اقوال نظام‌الدین را ضبط کرده است. شیخ از ملفوظاتی که مریدان می‌نوشتند، مطلع بود. امیرخسرو می‌گوید: «مدتی است که این بیچاره هرچه از زبان مخدوم می‌شنود، تا آنجا که ادراک و فهم یاری می‌دهد آن را می‌نویسد و *افضل الفوائد* نام کرده‌ام؛ چون بنده این عرضه داشت کردم، بر دست مبارک گرفت و به شرف مطالعه شرف داد» (لعل بدخشی، ۱۳۷۶: ۴۶۱). اثر دیگر امیرخسرو کتاب *راحة المحبین* است. بعضی در انتساب کتاب *راحة المحبین* به امیرخسرو تردید کردند و بعضی آن را از آثار وی ندانسته‌اند. اما میرزا لعل‌خان بدخشی، تحمیدیۀ کتاب *راحة المحبین* را در *ثمرات القدس* آورده که در انتساب اثر به امیرخسرو آشکار است. «پس چون بعضی سخنان *افضل الفوائد* بی‌تغییر عبارت از ملفوظات سلطان المشایخ شیخ نظام‌الدین - قدس الله سره - امیرخسرو جمع نموده بود، به انجام رسید. اکنون شروع در بعضی کلمات ملفوظات دویم سلطان المشایخ به اسم *راحة المحبین* که هم جمع کرده امیرخسرو است، می‌رود» (همان: ۴۶۲). خود نیز در ابتدای *راحة المحبین* اذعان می‌کند: «بعد از نوشتن *افضل الفوائد*، کتاب دیگری در حکایت انبیا و سلوک می‌نویسم اگر مرحمت فرمان شوند، هرچه از زبان درر بار مخدوم شنیده شود، آن را در سلک تحریر کشیده آید تا دو جلد مرتب گردد» (دهلوی، ۱۲۹۰: ۴).

شناخت نظام‌الدین اولیا به‌عنوان یک مقام معنوی، مستلزم بررسی متونی است که به‌طور مستقیم با او مرتبط‌اند تا آراء و اندیشه‌های عرفانی شیخ به‌صورت دقیق مورد واکاوی قرار گیرد. بر این اساس، این پژوهش، سیمای نظام‌الدین را در تئنگاری‌های مجالس او که مریدانش تحت عنوان ملفوظات جمع‌آوری کرده‌اند، مورد تحلیل قرار می‌دهد. با توجه به مقدمات مطرح‌شده سؤالات ذیل مطرح می‌شود که اندیشه و افکار نظام‌الدین دربردارنده چه موضوعاتی است و چقدر به شریعت توجه دارد؟

۱-۱. ضرورت و روش تحقیق

نظام‌الدین اولیا از عارفان برجسته و تأثیرگذار شبه‌قاره هند است. شناخت افکار و اندیشه‌های او می‌تواند بخش عمده‌ای از اندیشه‌های عرفانی شبه‌قاره را تبیین کند. مراجعه مستقیم به آثار برجای‌مانده شیخ و آثار مریدان مستقیم او که محضر شیخ را درک کردند و در مجالس او حاضر بودند، در درک و دریافت دقیق آموزه‌های عرفانی او راهگشاست. یکی از دلایل شناخت نظام‌الدین، گرایش‌های شیعی وی در بطن ملفوظات است که نشان از ارادت خاص او به خاندان پیامبر (ص) است. وی ابعاد معنوی وجود ایشان را به ما شناسانده و معترف بر جاودانگی راه و اندیشه ایشان است، به‌گونه‌ای که تمسک به آن‌ها را راه‌هایی از عقوبت دوزخ می‌داند و عاصیان را امیدوار به شفاعت فاطمه (س) می‌کند (کاردگر و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۲۴). ازجمله منابع معتبر موجود در مورد شخصیت عرفانی شیخ، آثاری است که مجالس شیخ در آن‌ها ثبت شده است. خوشبختانه نویسندگان این مجالس خود از چهره‌های شاخص علمی، ادبی و عرفانی شبه‌قاره هند به‌شمار می‌آیند، به‌گونه‌ای که بخش قابل توجهی از میراث ادبی فارسی در شبه‌قاره با نام آن‌ها پیوند خورده است. امیر خسرو دهلوی و حسن دهلوی نام‌های آشنای فرهنگ و ادبیات هند از مریدان نظام‌الدین اولیا هستند که مجالس او را در آثاری ثبت و درج کردند. با توجه به جایگاه برجسته علمی و ادبی آن‌ها و اهمیتی که آثار آن‌ها در شناخت نظام‌الدین اولیا دارد، می‌توان با تحلیل دقیق و همه‌جانبه کتاب‌هایی چون *فوائد القواد، افضل الفوائد و راحة المحبین* که مجالس شیخ در آن‌ها ثبت شده، به دنیای فکری

و اندیشه‌ها و آموزه‌های نظام‌الدین اولیا راه برد. پژوهش حاضر در شیوه‌ای توصیفی، تحلیلی و تطبیقی کوشیده است با نقد و تحلیل تک‌نگاری‌های مجالس شیخ، سیمایی جامع از او ارائه دهد و از خلال مجالس شیخ دغدغه‌های او را تبیین کند. بررسی جایگاه شیخ در فرقه چشتیه، نگاه شریعتی و کلامی او، جنبه‌های اخلاقی و اجتماعی شخصیت شیخ و شیوه‌ها و شگردهای مریدپروری او ازجمله نکاتی است که در بررسی این مجالس مورد توجه قرار گرفته است.

۱-۲. پیشینه تحقیق

غالب پژوهش‌هایی که درباره نظام‌الدین اولیا و مجالس او منتشر شده، بر مبنای کتاب *فوائد الفوائد* است و آثار دیگر چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است. مهم‌ترین پژوهش‌ها عبارت‌اند از: علیم اشرف خان در دو مقاله با عنوان «ملفوظات حضرت نظام‌الدین اولیا و اخوت جهانی» و «فوائد الفوائد و تعلیمات حضرت نظام‌الدین اولیا» با محتوایی یکسان به بررسی محتوایی *فوائد الفوائد* پرداخته است. ذکاوتی قراگزلو (۱۳۷۷) در معرفی کتاب *ملفوظات خواجه نظام‌الدین اولیاء* که محمدلطیف ملک تصحیح کرده و به کوشش محسن کیانی در سال ۱۳۷۷ در انتشارات روزنه منتشر شده، مقاله کوتاهی با نام «روزبهار بقلی فوائد الفوائد» منتشر کرده و به معرفی مهم‌ترین نکاتی که این کتاب بدان پرداخته، اشاره کرده است. اشتیاق احمد مقاله‌ای با نام «امیران و شاگردان نظام‌الدین اولیا»^۱ (Ahmed, 2010) به زبان لاتین منتشر کرده است؛ این مقاله به بررسی سبک نگارش دو کتاب *افضل الفوائد* و *فوائد الفوائد* و تبیین جایگاه امیرخسرو دهلوی و امیرحسن سجزی پرداخته است. چکروتی در مقاله‌ای با نام «متن، شواهد و تاریخ»^۲ (Chakravarty, 2010) که به زبان لاتین منتشر کرده، به بررسی جایگاه تاریخی کتاب *فوائد الفوائد* پرداخته و اذعان می‌کند «آنچه سجزی ثبت کرده، سرشار از احساسات تاریخی اوست». مقاله‌ای با عنوان «بررسی ساختار مجالس نظام‌الدین اولیا براساس تک‌نگاری‌های مریدان او» (کاردگر و همکاران، ۱۴۰۳) درزمینه مجلس‌گویی نوشته شده که مبنای آن، تحلیل «ساختار مجالس شیخ» است. علاوه بر مقاله‌های مذکور، پایان‌نامه

نقش آموزه زهد در سلوک نظام‌الدین اولیا و تأثیر آن بر نظام فکری چشتیان (اسماعیلی، ۱۳۹۴)، فقط به آموزه‌های زهدی نظام‌الدین اولیا توجه کرده و پایان‌نامه دیگری با نام بررسی تطبیقی تعالیم عرفانی در فیه مافیه مولوی و فوائد الفوائد نظام‌الدین اولیا (صابراقند، ۱۳۹۱) به مقایسه عرفانی و فلسفی این دو اثر پرداخته است. بنابراین پژوهشی مستقل که به تحلیل آراء و اندیشه‌های نظام‌الدین اولیا بر مبنای تکنگرایی‌های مجالس او باشد، ارائه نشده است.

۲. بحث

از آنجاکه تکنگرایی‌های امیرحسن سجزی و امیرخسرو دهلوی مهم‌ترین ادوار زندگی نظام‌الدین اولیا را در بر می‌گیرد، می‌تواند در توصیف همه‌جانبه سیمای شیخ بسیار راهگشا باشد. مطالعه این آثار نشان می‌دهد که بررسی آداب سلوک، حالات و مقامات سلوک، موانع سلوک، نگاه شریعتی، اندیشه‌های کلامی، آموزه‌های اخلاقی و بعد اجتماعی سیمای شیخ در این تکنگرایی‌ها به‌خوبی نمایان است. در ادامه، هریک از این موضوعات در عناوین جداگانه بررسی می‌شود.

۲-۱. آداب سلوک

سیروس‌سلوک مهم‌ترین بخش عرفان عملی است. انسانی که قصد دارد راه معنوی را پیماید، براساس توصیه و تأکید بزرگان تصوف، آداب‌ورسومی را باید رعایت کند که از لوازم ضروری این راه است. طریقت چشتیه، همانند دیگر مکاتب عرفانی پایند مبنای و روش‌هایی هستند تا سالک را به مقصد اصلی، یعنی معرفت حق رهنمون سازند. لذا می‌توان این اصول را در رساله‌ها و کتاب‌های ایشان دریافت. به اعتقاد نظام‌الدین «پیر در هدایت مریدان همواره جانب شریعت را حفظ کرده و برای دستوراتی که در سلوک می‌دهد، مستند در سنت است» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۱۷۷). آداب مرسوم از نگاه خواجه عبارت‌اند از: رازداری، تزکیه، بیعت، مجاهده، مشاهده، ذکر، سماع، آداب خرقه‌پوشی، آداب مرید و مراد. برای آشنایی بیشتر با اندیشه‌های وی، به‌اجمال به آن پرداخته می‌شود:

۲-۱-۱. رازداری

حفظ و نگهداری راز ضرورت دارد. «اگر افشای اسرار منشأ عداوت داشته باشد، از رذایل قوه غصبيه به شمار می‌رود و اگر ریشه در سود مالی و مادی داشته باشد، از رذایل قوه شهویه به شمار می‌رود. در هر دو صورت، ناشی از خباثت درونی و نفسانی انسان است و امری مذموم و مورد نهی است» (نراقی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۳۶۵). ستر احوال یکی از آداب سلوک است. به اعتقاد خواجه: «کسی که به اسرار عشق وقوف یافت، باید راز نگه دارد. برای اسرار و انوار حوصله وسیع می‌باید که در او اسرار دولت مسکن گیرد؛ زیرا که چون نخستین انوار دوست در دل این کس متجلی گردد، پس او آن انوار درون حوصله نتواند داشت و آن را بیرون دهد؛ پس لایق سرّ دیگر نباشد. آنگاه فرمود: ای درویش در راه سلوک مرد کامل اوست که اگر از عالم انوار دوست چیزی بدو تابد، باید که بیرون ندهد» (دهلوی، ۱۲۹۰: ۴۲).

۲-۱-۲. تزکیه

یکی دیگر از آداب سلوک، تزکیه نفس است تا انسان بی مزاحمت نفس، اوقات خود را به حق مشغول دارد. تزکیه و تهذیب از نظر اصطلاحی به یک معناست؛ «پاک کردن نفس از آلودگی‌های اخلاقی برای گام برداشتن در جهت فضایل اخلاقی که در نهایت موجب کمال و سعادت واقعی انسان در دنیا و آخرت می‌شود و فرایندی درونی است که فرد از طریق آن تلاش می‌کند نفس خود را از آلودگی‌ها پاک و با تدریج، عنان نفس خود را به دست بگیرد» (بستانی، ۱۳۷۵: ۴۴۸). هدف و غایت بعثت پیامبران و امامان الهی، تهذیب نفس بوده و از همین رو همواره مورد توجه بوده است. نظام‌الدین ترک خواسته‌های نفس را طریق تزکیه نفس قلمداد می‌کند: «سخن در تزکیه افتاد، فرمود: کمال مرد در چهار چیز پیدا می‌شود: قلة الطعام و قلة الکلام و قلة المنام و قلة الصحبة مع الانام» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۳).

۲-۱-۳. بیعت

در متون اسلامی بیعت را پیمانی می‌دانند که فرد بیعت‌کننده با امام یا حاکم می‌بندد تا در

موضوعی خاص، مطیع و فرمان‌بردار وی بوده و به مفاد آن وفادار بماند (ر.ک: ابن‌خلدون، ۱۹۷۶: ۴۰۰). خواجه از آداب سلوک، «بیعت و کلاه بر سر نهادن با همه اعمالی که بر مرید واجب است انجام دهد» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۱۳۶) سخن می‌گوید. «از نگاه او بیعت با پیر باعث محو گناهان گذشته می‌شود» (همان: ۷۱).

۲-۱-۴. مجاهده، مشاهده

مجاهده در عرفان به معنی جهاد با نفس است؛ یعنی مبارزه و تلاش برای کنترل و پاک‌سازی نفس از هواهای نفسانی، و مشاهده به معنای مشاهده قلبی و شهودی است که سالک در مراحل بالای سیروسلوک تجربه می‌کند. تفسیر مسائل عرفانی بخش چشمگیری از گفتارهای شیخ را تشکیل می‌دهد. مراقبه که بعد از مجاهده قرار دارد، خود مقدمه‌ای است برای مشاهده و مکاشفه. «شب‌زنده‌داری از اعمال مجاهده در تعالیم چشتیه است» (همان: ۵۰). «در حالت مشاهده، سالک محبوب حقیقی را در قلبش چنان رؤیت می‌کند که گویی در برابر دیدگانش است. رفتن حجاب و رسیدن به مقام بی‌بصر و بی‌سمع و بی‌ینطق که لذت مشاهده و مکاشفه یابد» (دهلوی، ۱۳۸۸: ۹).

۲-۱-۵. ذکر

در طریقت چشتیه، «گذشته از آنچه مرید و سالک راه طریقت می‌بایستی تکالیف واجب دینی و مستحبات شرعی به جای آورد، طبق دستور مرشد هم لازم است که اوراد و اذکار ویژه‌ای در ایام و اوقات خاص به صورت جهر یا خفی بر زبان جاری سازد. این قبیل اوراد و اذکار بسیار مفصل و گاهی نیز محتوای دستور و تعلیم شیخی نسبت به شیخ دیگر و حتی دستور مرشدی در مورد مریدان مختلف خود، متفاوت است. تعلیم ذکر از همان زمانی که طالب صادقی برای کسب معرفت به خدمت پیر کاملی می‌رسد، شروع می‌گردد. وجه تمایز صوفیه از دیگر مسلمانان به جهت این است که ذکر خدا را به شکل بیان اسمای او - که از سوی شیوخ تعلیم داده می‌شود - اجباری می‌دانند و نه فقط در حد توصیه. همان‌ها پیوسته به ما خاطر نشان می‌کنند که جوهر و روح تمام اعمال عبادی ذکر خداست» (چیتیک، ۱۳۸۹: ۱۲۴). قرآن بیش از چهل بار با واژگان ذکر و

ذکری و تذکیر از خود یاد می‌کند. برای رسیدن به آرامش قلب در دنیا و آخرت باید ذکر خدا نمود. «خواجه بر خواندن ورد و ادعیه و طاعت پیوسته حق تأکید کرده» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۲۹) و (دهلوی، ۱۳۹۰: ۱۱). بسیاری از اولیا تأیید می‌کنند لا اله الا الله برترین ذکر است. برخی بر این باورند که اسم الله بهترین است؛ زیرا در ذکر لا اله الا الله شخص در نفی و در ذکر الله در اثبات است. «به همین دلیل خواجه به ذکر الله بسیار در شب تأکید می‌کند» (همو، ۱۳۸۸: ۵۸).

۲-۱-۶. سماع

سماع در لغت به معنی شنیدن و نیز آواز و سرود است و «در اصطلاح اهل تصوف عبارت از وجد و سرور و پاکوبی و دست‌افشانی صوفیان به‌تنهایی یا گروهی با آداب و تشریفات خاص است» (حلبی، ۱۳۸۵: ۱۷۵، ۲۸۸ و ۲۸۷). وجد و سماع میان فرق صوفیه رسمی متداول بوده و کتابی در تصوف نمی‌توان یافت که این مبحث در آن نباشد. اخبار فراوانی در مباح یا رد سماع و غنا نقل شده است. غنا «به هر معنی که باشد، بالذات موضوع حکم شرعی نیست و آن را در ردیف موضوعاتی نباید شمرد که حکم شرعی متعلق به طبیعت کلیه شده باشد... پس در صورتی که مقتدر به مفسده شرعی یا عقلی باشد از قبیل ملاحی و مناهی و لغو و باطل و تهییج شهوات رذیه و امثال آن، حرام است؛ اما در جایی که خالی از مفسده یا متضمن مصلحت شرعی و عقلی باشد از قبیل معالجه بیمار و انصراف خاطر از علایق شوم دنیوی و توجه به امور ممدوح معنوی و امثال آن، حکم به تحریم مطلق نتوان کرد. منشأ اختلاف روایات هم شاید اختلاف در همین‌گونه اغراض و مقترنات باشد» (کاشانی، ۱۳۸۹: ۳۳۸). سماع و رقص که از نظر متشرعین فقها حرام است، چشتیان، «آن را غذای روحانی می‌دانستند؛ اما شرایط آن را هم سخت رعایت می‌کردند. در این باره نظام‌الدین می‌فرماید: سماع چهار قسم است: مباح، مکروه، حرام و حلال. اگر صاحب وجد در سماع به‌سوی حق زیاد میل کند، سماع بر او مباح است؛ اگر به‌سوی مجاز تمایل زیاده‌تر داشته باشد، آن سماع مکروه است و اگر کسی فقط به‌سوی مجاز متمایل باشد، سماع حرام است و اگر کلاً به‌سوی حق

میل کند، آن سماع حلال است» (سبحانی، ۱۳۷۷: ۲۰۲). از نظر خواجه سماع هاجم و غیرهاجم است؛ «هاجم آن را گویند که اول سماع هجوم می‌آرد؛ مثلاً صوتی یا بی‌تنی شنیده می‌شود، این کس را در جنبش می‌آرد؛ این حال را هاجم گویند و این را شرح نتوان داد. اما غیرهاجم آن است که بعد از آن بی‌تنی سماع اثر کرده آن را بر جایی تحمیل کند، بر حضرت حق یا بر پیر خود یا بر جای دیگر که در دل او گذرد» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۱۳۹). او معتقد است «سماع باید مطابق شرع باشد» (همان: ۱۱۸، ۲۷۱ و ۲۹۲). «شخصی بیامد، گفت که جماعتی مزامیر در میان سماع کرده است. خواجه فرمود: که من منع کرده‌ام که مزامیر در میان و محرمات نباشند. هرچه کرده‌اند، نیکو نکرده‌اند» (دهلوی، ۱۲۸۸: ۲۰۶). خواجه «تلاوت قرآن در سماع (مسموع) را موجب نزول انوار از عالم ملکوت بر روح، ظهور احوال از عالم جبروت در قلب و گریه و حرکت و جنبش از عالم ملک بر جوارح می‌داند» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۴۵). او «هدف سماع را یادکرد حق می‌داند نه سخنان بیهوده؛ که آن را کار بوالهوسان فضول می‌داند نه کار کاملان» (دهلوی، ۱۲۸۸: ۹۴).

۲-۱-۷. آداب خرقة پوشی

خرقه در اصطلاح صوفیه، «جامه دوخته‌شده از تکه‌هاست که به وسیله پیر و مرشد به طالب و سالک، در صورت لیاقت و بیرون آمدن از آزمایش، پوشانده می‌شود» (سجادی، ۱۳۸۸: ۲۴۶). خواجه می‌گوید: «خرقه در شب معراج به حضرت رسول داده شد» (دهلوی، ۱۲۸۸: ۶). که به آن خرقة فقر گویند و ایشان آن را به حضرت علی (ع) عطا کرد. وی معتقد بود که پوشیدن خرقة شرایطی دارد؛ «در خرقة اعتبار نیست. اگر در خرقة اعتبار بودی، همه خلق خرقة پوش شدی. اما اعتبار در مرد است که او خرقة پوشد» (همان: ۵۸). این لباس «به کسی می‌رسد که عیب بندگان خدای بپوشد» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۲۳۳). «بسیار خرقة پوشانند که از ایشان فعل‌های قبیح در وجود آید که فردا همان خرقة بر ایشان مدعی گردد و ایشان مستوجب دوزخ گردند. بسیار قباپوشانند که از ایشان همه

کار با نیک در وجود می‌آید که پیش از خرقة پوشان به بهشت می‌روند» (دهلوی، ۱۳۸۸: ۵۹).

۲-۱-۸. آداب مرید و مرادی

مرید و مراد ارکان اساسی سلوک هستند و مادامی که مرید در اطاعت پیر باشد و عمل بر اختیار وی انجام دهد، موفقیت در سلوک حاصل می‌شود. پیر در اصطلاح صوفیان، انسان کامل را گویند. در نظر صوفیه، «مسیر طریقت راهی پرخطر است که گذر از آن جز به راهنمایی جهان‌نیده‌ای که این مسیر را پیشتر طی نموده و به خطرات آن آگاهی یافته، امکان‌پذیر نخواهد بود» (پاکتچی، ۱۳۹۲: ۳۸۸). به اعتقاد خواجه، سالک ناگزیر از داشتن پیری راه‌دان است تا در سایه تعالیم او از تمامی تعلقاتی که وی را از سلوک بازمی‌دارد، جدا شود. اطاعت از شیخ بر مرید واجب است. فرمود: «کسی که به خدمت پیر می‌پیوندد و ارادت می‌آورد، این را تحکیم گویند؛ یعنی پیر خود را بر خود حاکم می‌سازد. پس هرچه پیر گوید و مرید نشنوند تحکیم نشد» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۱۷۶). جایگاه مرید و مراد متفاوت است؛ «زیرا که مرید مبتدی است و مراد متبتهی» (آریا، ۱۳۶۵: ۱۹۶). مرید درجاتی دارد: «سالک، واقف، راجع. بدان معنی که رونده راه طریقت یا مرید تا راه معرفت طی می‌کند، امید به کمال دارد که در اصطلاح آن را سالک گویند. اگر در این کار اندک وقفه‌ای افتد، او را واقف خوانند و اگر در حال وقفه به سلوک روی نیاورد، راجع است» (همان: ۱۹۷). از جمله وظایف مرید «چون به خدمت بر ملازمت نماید و آنچه از زبان پیر بشنود، آن را به کار برد... پس حق تعالی به هر حرفی که در کتاب درج کند، در بهشت به نام او قصری بنا کند. بعد از آن فرمود مرید راست از برکت پیر است، زیرا هرچه بشنود گوش و خوش بدان متعلق دارد تا ذره از آن نعمت فوت نشود» (دهلوی، ۱۳۸۸: ۹۳). «مراد هم باید که در احکام شریعت و طریقت عالم باشد و چیزی غیر مشروع نفرماید؛ از جمله وظایف پیر و مرشد این است که نباید هیچ طمع‌ی از مرید داشته باشد. وقتی مریدی به خدمت پیر می‌آید، هدیه یا تحفه‌ای می‌آورد؛ پیر نباید قبول کند و پیر در کار دین و دنیا نباید محتاج مرید باشد» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۲۵۵).

۲-۲. حالات و مقامات سلوک از دیدگاه نظام‌الدین

منظور از مقامات مراتبی است که مرید در طی طریق و در رسیدن به کمال باید آن‌ها را طی کند. در ترتیب و شرح مقامات، وجوه افتراق و اشتراک وجود دارد. مقامات ده‌گانه سلوک عبارت از: توبه، ورع، زهد، فقر، صبر، شکر، خوف، رجا، توکل و رضا. رسیدن به آن‌ها بستگی به مجاهدات صوفی دارد. توبه، زهد و ترک دنیا، صبر، خوف و رجا، توکل، تسلیم و رضا، مقاماتی است که خواجه درباره آن‌ها بحث نموده است. «وی لغزش راه سلوک را اعراض، حجاب، تفاضل، سلب مزید، سلب قدیم، تسلی و عداوت می‌داند» (همان: ۲۰).

۲-۲-۱. توبه

توبه به معنی بازگشت است. «مقامات صوفی از توبه آغاز می‌شود. توبه در اصطلاح اهل باطن عبارت است از بازگشتن از هر چیزی جز خدا» (عمید زنجانی، ۱۳۶۶: ۲۳۳). «اساس جمله مقامات و مفتاح جمیع خیرات و اصل همه منازل و معاملات قلبی و قالبی، توبت است» (کاشانی، ۱۳۸۹: ۵۲۸) از نظر خواجه، تائب با متقی برابر است: «زیرا که متقی آن است که مثلاً در همه عمر خویش شرب نکرده باشد یا معصیتی به وجود نیاورده و تائب آن است که گناه کرده باشد و انابت آورده؛ بعد از آن فرمود که هر دو برابر باشند به حکم این حدیث که التائب من الذنب کمن لا ذنب له» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۲). «او توبه را در جوانی نیکو می‌داند؛ در پیری چه کند که تائب نشود» (همان: ۲۶۰)!

۲-۲-۲. زهد و ترک دنیا

سخن درباره زهد و نکوهش دنیا در محافل زاهدان بسیار مطرح می‌شود. مذاهب هندی در این اصل که اساس سعادت ترک تعلقات دنیاست مشترک‌اند. «فریدالدین شکرگنج، اصل راه درویشی را حضور دل می‌دانست؛ برای رسیدن به آن، کسب لقمه حلال و دوری از دنیا و اهل آن را واجب می‌شمارد» (اله‌دیه، ۱۳۸۶: ۱۷۱). مهم‌ترین مشخصه نظام‌الدین که باعث توجه زیاد مردم به او می‌شد، زهد و قناعت وی بود. او از دنیا احتراز می‌کرد و اگر در پیروانش اندک گرایشی به دنیا می‌دید، از ایشان دوری می‌کرد. «ترک

دنیا را عبارت از استفاده درست از دنیا در حد تأمین ضروریات و بخشش دارایی و دوری از جمع و ذخیره دارایی و ثروت می دانست» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۴۱). وی «کسانی را که به صیام و تهجد پرداخته ولی دوستی دنیا در دلشان باقی می ماند، کذاب در دعوی دوستی خدا و ترک دنیا می داند» (همان: ۱۰۵). نظام الدین استغراق عرفا در یاد حق به واسطه ترک هواهای نفسانی را میسر می داند. «از ابراهیم ادهم سؤال کردند که تو اسم اعظم یاد داری بگو کدام است؟ او جواب داد که معده را از لقمه حرام پاک دار و دل را از محبت دنیا خالی کن، بعد از آن هر اسمی که خوانی آن اسم اعظم است» (دهلوی، ۱۲۸۸: ۲۰۷).

۲-۲-۳. صبر

صبر از ایمان است. «الایمان نصفان: نصف صبر و نصف شکر. چه هرچه پیش مؤمن آید، از نعمت و بلا داند که نتیجه قضا و قدر الهی و حاصل ارادت و اختیار حق است؛ پس اگر از جمله مکاره بود، بر آن صبر کند و اگر از جمله ملاذ و محاب بود، بر آن شکر کند» (کاشانی، ۱۳۸۹: ۵۴۲). خواجه می گوید: در سلوک صادق کسی است که «هرچه در عالم از اسرار بلا و جز آن بدو نازل می گردد، در آن صابر و راضی می باشد. چنانچه در کلام الله فرمان می شود: رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. این آیت را مفسران مشایخ بر صابران نسبت می کنند و درویشان ایشان اند که در بالای دوست صبر می کنند» (دهلوی، ۱۲۹۰: ۴۲). از نظر او «صبر یعنی بلا و جزع نکردن، بردباری در برابر آزار دیگران و تحمل خشم است. به اعتقاد وی تحمل آزار دیگران و در بند مکافات آن نبودن کار صدیقان است» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۲۸۲).

۲-۲-۴. خوف و رجا

خوف و رجا در سلوک، مرید را هم از خواهش های نفسانی دور می کند و هم باعث امید وصال می شود. خوف، «انزعاج قلب و انسلاخ او از طمأنیت امن به توقع مکروهی ممکن الحصول» (کاشانی، ۱۳۸۹: ۵۵۱) و رجا، «ارتیاح قلب است به ملاحظه کرم مرجو» (همان: ۵۵۶). خواجه آن را به عنوان یک اصل عملی مورد توجه قرار داده؛ «مهمتر

اسحاق پیوسته در طاعت و نماز بود و هیچ‌وقت از خوف حق‌تعالی غافل نبود؛ هروقت از ترس خدای تعالی در لرزه بودی. پس ای درویش مردم را همه حال در خوف و رجا باید بود» (دهلوی، ۱۲۹۰: ۱۹).

۲-۲-۵. توکل

توکل نزد صوفیه یعنی اعتماد به حق و ناامیدی از خلق. توکل نتیجه حقیقت ایمان به تقدیر پروردگار است. «در متون عرفانی، توکل در زمره مقامات آمده است. ابونصر سراج آن را پس از مقام صبر و ابوطالب مکی پس از زهد و هر دو پیش از مقام رضا آورده‌اند. غزالی، توکل را مانند دیگر ابواب ایمان متشکل از سه رکن علم و حال و عمل دانسته است. علم اصل و به تعبیری پیش‌فرض توکل است؛ عمل ثمره و نتیجه آن و حال همان است که از مفهوم توکل مراد می‌شود و هرچه در بیان توکل گفته شود، تعبیر آن حال است» (عباسی، ۱۴۰۱، ج ۸: ۵۸۹). در نظر خواجه، «اعتماد بر حق می‌باید کرد و نظر بر هیچ‌کس نباید داشت» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۱۲۴). «این امر منافات با سعی در تعلق به اسباب و با کوشش در ادخار مال ندارد» (زرین‌کوب، ۱۳۸۵: ۱۷). به اعتقاد خواجه، «توکل سه مرتبه دارد: ۱. خدا را عالم و دانای حال خود بداند؛ ۲. توکل کودک است که از مادر شیر نمی‌خواهد ولی باز مادر به او شیر می‌دهد؛ ۳. توکل مردانه است که چون میتی در دست غسال‌اند» (سبحانی، ۱۳۷۷: ۲۳۴).

۲-۲-۶. تسلیم

تسلیم محض در برابر اراده الهی، بالاترین مرتبه ایمان و نشان‌دهنده برترین مرتبه کمالات انسانی است. جامی می‌گوید: «تسلیم عبارت است از استقبال قضا و تسلیم به مقدرات الهی. مقام تسلیم، فوق مرتبت توکل و رضاست. این مقام حاصل نمی‌شود مگر برای کسی که مراتب و درجات تکامل را مرتباً پیموده به اعلامرتبه یقین رسیده باشد» (جامی، ۱۳۸۴: ۱۲۱). چشتیان معتقد بودند که باید جان را تسلیم اراده پروردگار کنند تا جایی که میان اراده سالک و اراده حق اتحاد کامل برقرار شود. در *راحة المحبین* آمده است: مادر موسی (ع) روی سوی آسمان کرد و گفت: الهی موسی را به تو سپردم... و درون رود نیل

انداخت» (دهلوی، ۱۲۹۰: ۲۷). «وصول به این مرحله با ردّ و نفی ما سوی الله از دل و اندیشه صورت می‌گیرد. پیروان این سلسله می‌آموختند که از طریقت مرسوم عرفا که با توبه و تحت ارشاد پیر آغاز می‌شد و متضمن تسلیم محض به اراده الهی بود، تبعیت کنند» (رضوی، ۱۳۸۰: ۲۶۲).

۲-۲-۷. رضا

رضا، پذیرش قضای الهی و نهایت مقامات سالکان است. «رضا از یقین تولد کند تا نخست دل مؤمن به نور یقین منشرح و منفسح نشود، چشم بصیرتش به مشاهده و معاینه تدبیر الهی منفتح نگردد» (کاشانی، ۱۳۸۹: ۵۶۳). نظام‌الدین می‌گوید صبر آن است که وقتی کراحت و اتفاق بدی برای سالک پیش می‌آید، او صبر کند و شکایتی نکند؛ اما رضا را از صبر بالاتر می‌داند. در مقام رضا تمام پیشامدها برای انسان خوب و نیک می‌نماید. «رضا آن است که چون مکروهی به بنده رسد، در آن کراحتی بدو نرسد گویی که آن بلا بدو نرسیده است» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۶۷). به اعتقاد جنید رضا، یعنی از روی اختیار زندگی را کنار گذاشتن و یکسان بودن سختی و آسایش آن.

۲-۳. موانع سلوک

پس از طی مقامات، آگاهی از موانع سلوک ضرورت دارد. با وجود حجاب‌ها گذر به آسانی میسر نمی‌شود. بنابراین ترک رذایل و اجتناب از آن بر آراستن نفس به فضایل اخلاقی مقدم است. ظاهرینی، خشم و شهوت، سعایت، خنده، بهتان و سوگند دروغ موانعی است که خواجه آن‌ها را نکوهش کرده است

۲-۳-۱. ظاهرینی

به ظاهر نباید حکم کرد؛ در قرآن آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (حجرات: ۱۲). این آیه به ما هشدار می‌دهد که از قضاوت درباره دیگران بپرهیزیم، زیرا «گفت که هرکه را که دیده شود به از خود تصور باید کرد؛ اگرچه این کس مطیع باشد و آن دیگری عاصی، زیرا که شاید بود که طاعت این کس آخرین طاعت‌ها باشد و معصیت او آخرین معصیت‌ها» (همان: ۸۹).

۲-۳-۲. خشم و شهوت

امیرالمؤمنین (ع) در حدیثی ارزشمند، موانع رسیدن به اهداف را خشم و شهوت معرفی می‌کند و می‌فرماید: «أَعْدَى عَدُوٍّ لِلْمَرْءِ غَضَبُهُ وَ شَهْوَتُهُ فَمَنْ مَلَكَهُمَا عَلَتْ دَرَجَتُهُ وَ بَلَغَ غَايَتَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۰۲)؛ بدترین دشمن آدمی خشم و شهوت اوست؛ پس هرکس آن دو را در اختیار بگیرد، مقامش بالا می‌رود و به هدفش می‌رسد. بنابراین نسبت به این رذایل، باید هشیار بود و نباید اجازه داد که آن‌ها از چارچوب تعیین‌شده خود خارج شوند. غزالی در این باره می‌گوید: «و مَثَلُ غَضَبٍ، چون سگ شکاری است و مَثَلُ شَهْوَةٍ، چون اسب و مَثَلُ عَقْلِ، چون سوار که اسب گاه بود که سرکش بود و گاه بود که فرمانبردار و فرهخته بود و سگ گاه بود که آموخته بود و گاه بود که بر طبع خویش باشد و تا این آموخته نبود و آن فرهخته نبود؛ سوار را امید آن نباشد که صید به دست آورد؛ بل بیم آن بود که خود هلاک شود که سگ اندر وی افتد، یا اسب وی را بر زمین زند» (غزالی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۶ و ۷).

به اعتقاد نظام‌الدین، چنان‌که شهوت به غیر محل حرام است، خشم هم به غیر محل حرام است» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۱۶۷). لذا، «نیکویی قوت غضب بدان بود که اندر فرمان حکمت و شرع بود به دستوری وی برخیزد و به دستوری وی بنشیند و نیکویی قوت شهوت هم بدین بود که سرکش نبود و به دستوری شرع و عقل بود؛ چنان‌که طاعت آن بر وی آسان بود» (غزالی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۶).

۲-۳-۳. خنده

از نظر چشتیان، خنده قهقهه یکی از گناهان کبیره است که سبب بی‌خبری می‌شود. «مزاح بسیار، روزگار ضایع کند و خنده بسیار آورد و خنده بسیار، دل سیاه کند و نیز وقار و هیبت مرد ببرد و هرچه خنده بسیار آورد، مذموم است و خنده بیش از تبسم نباید. رسول (ص) گفت: اگر آنچه من دامن شما بدانید، اندک خندید و بسیار گریید و یکی دیگر را گفت: ندانسته‌ای که لابد به دوزخ گذر خواهد بود؟ که حق تعالی گفته است: وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا (مریم: ۷۱). گفت: دانسته‌ام. گفت: دانی که باز

بیرون خواهی آمدن؟ گفت: نه. گفت: پس خنده چیست و چه جای خنده است» (غزالی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۷۵)؟ نظام‌الدین احادیث زیادی در خاطر داشت که بیشتر آن‌ها کلام پیامبر اکرم (ص) است. گویا سخن نظام‌الدین برگرفته از این حدیث است که فرمود: «روزی شیخ قطب‌الدین بختیار اوشی بر جماعتی گذشت که می‌خندیدند. گفت: عجب دارم بر شما که بخندید. شما را مگر خبر از مرگ نیست» (دهلوی، ۱۲۸۸: ۹۷).

۲-۳-۴. سوگند دروغ

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ...» (ر.ک: بقره: ۲۲۴) و خدا را دستاویزی برای سوگندهایتان قرار ندهید... غزالی وعده دروغ را از آفات زبان می‌داند (ر.ک: غزالی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۷۹). از نگاه او، سوگند به دروغ نیز یکی از آفت‌های زبان است (همان: ۸۰). از نظر خواجه نیز، قسم دروغ ناپسند است؛ «هرکه به سوره از کتاب خدای تعالی سوگند دروغ خورد، به هر حرفی که اندر آن سوره باشد، او را هم‌چندان بزه نویسند» (دهلوی، ۱۲۸۸: ۱۴۶).

۲-۴. شریعت در مجالس

از نظر چشتیه، شریعت بر طریقت مقدم است و طی طریق را در گرو گذر از آن می‌دانند. شیخ نیز همانند مریدان باید تمام فرایض دینی، واجبات و حتی مستحبات شرعی را به‌درستی و با دقت به جا آورد. بحث شریعت را می‌توان در دو عنوان کلی مطرح کرد: از نظر اعتقادی، خواجه سنی‌مذهب است؛ بر همین اساس از ابوبکر، عمر، عثمان و سپس حضرت علی (ع) نام می‌برد که نشان از اعتقاد وی به خلفاست (ر.ک: دهلوی، ۱۲۹۰: ۱۲). وی «نسبت به شیعه ارادت خاصی نشان داده است» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۲۹۵). نقل می‌کند پیامبر (ص) فرمود: «خدای تعالی پیغامبران را از درختان پراکنده بیافرید؛ مرا و علی را از یک درخت. پس من تنه‌ام و علی شاخه‌های آن و حسن و حسین میوه آن و اولاد و اتباع ایشان برگ‌های آن. پس هرکس که تعلق کند به شاخی از شاخه‌های آن، رهایش یابد از آتش دوزخ» (همان: ۳۸). «او عاصیان را امیدوار به شفاعت فاطمه (س) می‌کند» (همان: ۴۷).

در انجام فرایض دینی، نظام‌الدین در ملفوظاتش بارها به مریدانش سفارش می‌کند که علاوه بر نمازهای واجب، «نمازهای مستحبی چون عیدالضحی، عید فطر، نیمه شعبان، تسبیح، اشراق و استعاذه استخاره را بخوانند» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۲۸، ۴۴-۴۵ و ۱۹۶؛ دهلوی، ۱۲۸۸: ۹، ۱۱۴، ۱۱۰ و ۱۱۷). در نگاه او نماز جایگاه ویژه‌ای دارد؛ در *راحة المحبین* مکرر آمده است که «با شنیدن بانگ نماز، سخن را قطع می‌کند و آن را به جماعت می‌گزارد» (همان: ۱۹، ۲۴، ۳۲، ۳۴ و ۴۳). «سخن در نماز جماعت افتاد؛ در آن باب نیکو غلو فرمود: که اگر دو کس باشند هم جماعت باید کرد؛ اگرچه از دو کس جماعت نباشد اما ثواب جماعت باشد؛ آن دو تن را باید که برابر ایستند» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۱۲۹). او همچنین بر «قرائت قرآن، روزه گرفتن مخصوصاً در روز عاشورا و ثواب بسیار آن تأکید می‌کند» (دهلوی، ۱۲۸۸: ۹ و ۱۰). در مورد زکات «می‌فرمود: که زکات حقیقت است. زکات شریعت است و زکات طریقت است، و زکات طریقت آن است که از دویست درهم پنج درهم نگاه دارد و باقی بدهد و زکوات حقیقت آن است که همه را بدهد و هیچ نگاه ندارد» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۱۲۷).

۲-۵. اندیشه‌های کلامی شیخ

اندیشه نظام‌الدین نشئت گرفته از تعالیم اسلامی است. وی حنفی‌مذهب است و به آن مباهات می‌کند: «حق سبحانه و تعالی این سعادت‌ها که ما را داد، هیچ‌کس را نداد. اول آنکه از امت رسالت پناه علیه‌السلام گردانید. الحمدلله، دویم آنکه از ملت ابراهیم خلیل‌الله، سیم آنکه در مذهب امام اعظم یعنی ابوحنیفه کوفی گردانید؛ چهارم آنکه مسلمان آفریده و گوینده لا اله الا الله محمد رسول‌الله گردانید» (دهلوی، ۱۲۹۰: ۱۵ و ۱۶). ولی بن‌مایه کلامی وی در حوزه جبر و اختیار و رؤیت خدا در قیامت اشعری است؛ که به‌اجمال به آن پرداخته می‌شود:

خواجه همچون اشاعره معتقد است: «افعال انسان تنها به قدرت خدا صورت می‌پذیرد و انسان در انجام آن دخالت ندارد. هر فعلی که از بنده در وجود می‌آید، از خیر و شر خالق آن خداوند تعالی است. پس هرچه می‌رسد، از آنجا می‌رسد از کسی بهر چه

می‌باید رنجید» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۲۹۳)؟ و نظام هستی در چارچوب جف القلم بما هو کائن مدیریت می‌شود (ر.ک: دهلوی، ۱۲۸۸: ۱۴۵ و ۱۸۷).

یکی دیگر از موضوعات کلامی بحث‌برانگیز، مسئله امکان رؤیت باری تعالی در این جهان و جهان دیگر است. «ازجمله مسائل مذهب اشعری آن است که هر موجودی که باشد، صحیح باشد که مرئی شود. مصحح رؤیت وجود است و باری تعالی موجود است. هرآینه رؤیت حضرتش صحیح باشد و شرع به آن ورود یافته که مؤمنان در آخرت به کرامت قال الله تعالی *وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ، إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ*» (شهرستانی، ۱۳۳۵: ۷۳) هستند. ایشان برای اثبات نظر خود از این روایت پیامبر(ص) استفاده نمودند که گرامی‌ترین بهشتیان نزد خدا کسانی هستند که به وجه خدا هر صبح و شام می‌نگرند. این اندیشه در ذهن خواجه نظام‌الدین مندرج شده که «رؤیت خداوند در قیامت بعد از مرگ امکان‌پذیر است» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۵۰). در دیگر ملفوظات خواجه آمده است که «فردای قیامت مهتر موسی درآید، دست در کنگره عرش زند و فریاد کند مشتاقم به دیدار تو و چندان فریاد کند که سالکان عرش از دست فریاد او خود را فراموش کند. بعد از آن فرمان آید که یا موسی بازگرد. وعده در بهشت است و تا آنکه محمد و امتان او مرا نبینند، کسی را پیش از ایشان دیدار نمود، نمی‌بینم» (دهلوی، ۱۲۸۸: ۳۱).

۲-۶. نگاه اخلاقی و اجتماعی شیخ

نکات اخلاقی که شیخ در مجالس خود بدان‌ها اشاره دارد، بعد اجتماعی برجسته‌ای دارند و نشان می‌دهد نظام‌الدین اولیا بر ابعاد اجتماعی آموزه‌های اخلاقی و عرفانی تأکید بسیار دارد. آموزه‌های اخلاقی اجتماعی شیخ در دو دسته سلبی و ایجابی قابل تقسیم‌بندی است. هرچند گزاره‌های سلبی شیخ در قیاس با گزاره‌های ایجابی برجسته‌تر است و نشان می‌دهد که او در بیان این آموزه‌ها به ویژگی‌های روحی و روانی مریدان و مخاطبان توجه داشته است. از ویژگی‌های اخلاقی که شیخ مریدان را به ترک آن‌ها فرامی‌خواند و جنبه سلبی دارند، سعایت و بهتان است. او سخن‌چینی را زشت‌ترین فعل اخلاقی می‌داند: «بزرگ‌ترین جمله فعل‌های قبیح همین فعل است که غمازی کسی کند»

(دهلوی، ۱۲۹۰: ۸) و با نقل گفتاری از پیامبر اکرم (ص) عمق زشتی غمازی را به مخاطب نشان می‌دهد: «حضرت رسول در شب معراج طایفه‌ای در دوزخ دیدند که زبان‌های ایشان سوراخ کرده‌اند و به درک‌های دوزخ آویخته‌اند. پرسید: یا اخی جبرئیل این طایفه کیان‌اند؟ گفت: یا رسول‌الله این طایفه غمازیان است» (همان: ۹) و بهتان را گناه نابخشودنی بندگان می‌داند: «دور باشید و پرهیز کنید از بهتان گفتن، زیرا چه هر گناهی که بنده کند، چون توبه بکند، حق تعالی از اعتقاد آن بنده بداند که توبه کرده است. پس او را بیامزد مگر بهتان گفتن» (همو، ۱۲۸۸: ۱۴۱). دعوت به ویژگی‌های اخلاقی نیک که غالباً ریشه در آموزه‌های قرآنی و دینی دارد، در مجالس شیخ آن چنان برجسته است که رذایل اخلاقی در برابر آن رنگی ندارد. نکات اخلاقی شیخ گستره وسیعی دارد و شامل مواردی است که خلوت و فردیت انسان تا حلقه‌های پیوند او را با اجتماع فرامی‌گیرد و از وسعت دید او حکایت می‌کند. عفو و مدارا، رحم و شفقت، تواضع، پرده‌پوشی، احترام به والدین، احترام به پیران، حق همسایگی، صلۀ رحم، عیادت بیمار، مصاحبت و هم‌نشینی با مردم، مودت و اخوت بین انسان‌ها، صدقه و اطعام از مهم‌ترین نکات اخلاقی است که شیخ مخاطبان را بدان‌ها فرامی‌خواند. درنگی در این ویژگی‌ها با ذکر نمونه‌هایی از گفتار شیخ خالی از فایده‌ای نیست.

۲-۶-۱. عفو و مدارا

خواجه مریدانش را به مدارا کردن و پرهیز از دشمنی فرامی‌خواند. هنگامی که یکی از حاضران در مجلس از بدگویی برخی افراد شکایت کرد، خواجه فرمود: «که من همه آن‌ها را عفو کردم. هرکس با من از روی دشمنی و حسادت بدگویی می‌کند، من از همه آن‌ها گذشتم و شما هم باید آن‌ها را عفو کنید و با آن‌ها دشمنی نکنید» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۱۱۷). رحم و شفقت محدود به مسلمانان نمی‌شود، بلکه همه مخلوقات را در بر می‌گیرد. در طریقت چشتیه، همه مخلوقات الهی، شایسته محبت و شفقت هستند و سالک به خویش اجازه آزدن دیگران را نمی‌دهد. خواجه معتقد است آزدن دل مؤمن آزدن خدای تعالی است و از زبان حضرت رسول (ص) نقل می‌کند: «آزار مؤمن آزار من

است و آزار من آزار حضرت عزت است و همچنان باشد که یاری کرده باشد در خراب خانه کعبه» (دهلوی، ۱۳۹۰: ۸). پس «ای درویش، مرنجان کسی را تا تو را نرنجانند و مزین کسی را تا تو را نزنند و مسوزان کسی را تا تو را نسوزانند و هلاک کسی مجوی تا تو را نجویند. در مثل این است: کشت مر کارنده راست؛ یعنی هرچه بکاری بدروی» (همان: ۱۷).

۲-۶-۲. تواضع

تواضع «عبارت است از وضع نفس خود با حق در مقام عبودیت و با خلق در مقام انصاف» (کاشانی، ۱۳۸۹: ۵۱۳). بنابراین «تواضع آن بود که خود را مزیتی نشمرد بر کسانی که در جاه از او نازل تر باشند» (طوسی، ۱۳۶۴: ۱۱۳). در این زمینه، مشایخ چشت با تأسی به سنت و سیره نبوی، بر فروتنی تأکید کرده‌اند. خواجه می‌گوید: «هر که خود را هیچ داند، قیمت او و بهای او جز حق دیگری نداند» (دهلوی، ۱۳۹۰: ۲۲).

۲-۶-۳. پرده‌پوشی

پنهان کردن عیوب دیگران ویژگی پسندیده‌ای است که موجب آرامش دل می‌شود و از کینه‌توزی و اختلاف جلوگیری می‌کند. در این باره نظام‌الدین می‌گوید: «فاضل‌ترین جمله عبادت‌ها همین پرده‌پوشی است؛ اگرچه عیب مردم ببیند، هم چشم پیش کند بگذارند؛ پیش کس نگوید که این صفت باری تعالی است» (همان: ۱۰).

۲-۶-۴. تکریم والدین و پیران

تکریم والدین و احترام به ایشان از آموزه‌های قرآنی است. خواجه نظام‌الدین با استناد به آیات ۲۳ و ۲۴ سوره اسراء دستور صریح و قاطعی در مورد چگونگی رفتار با پدر و مادر بیان می‌کند. «شفقت مادر و پدر رحمت خدای تعالی هست و قهر مادر و پدر قهر خدای تعالی است. از فرزندی که مادر و پدرش خوشنود نیست، خدای تعالی نیز خوشنود نیست» (همان: ۳۸). وی جلب رضایت مادر را برتر از حج برمی‌شمارد و تأکید می‌کند که حق شکرگزاری خدمات بی‌شمار آنان اداکردنی نیست: «مادری داری، برو حق او به جای آر که تو را بهتر از حج است و رضای او بطلب» (دهلوی، ۱۳۸۸: ۲۰۳).

فرزند نمی تواند حق پدر و مادر را به جا آورد: «اگر کسی مادر و پدر را بر گردن کرده تمامی عمر در خانه کعبه برود بیاید، حق یک شبی را که از برای او خواب خود تلخ کرده‌اند، نگذارده باشد» (همان: ۲۰۳). این احترام به پیران تعمیم می‌یابد تا جایی که براساس حدیثی، خواجه نقل می‌کند: «فرمود که رسول‌الله چون در راه پیری بدیدی، خواه جهود خواه مسلمان، سبب حرمت موی سفید او هرگز از پیش او نرفتی و فرمودی که بر کسی که نشان نور خدا باشد از پیش او نتوان رفت که الشیب نوری واقع است و بر لفظ مبارک راند که خدای تعالی بزرگ داشته است پیری که در مسلمانی موی سفید کرده باشد» (دهلوی، ۱۲۸۸: ۱۲۳ و ۱۲۴).

۲-۶-۵. حق همسایگی

یکی از حقوقی که انسان باید رعایت کند، حق همسایگی است. در آیه ۳۶ سورة نساء بر این موضوع تأکید شده است. رسول اکرم (ص) فرمود: «جبرئیل حق همسایگی مرا چندان وصیت کرد تا گمان بردم که همسایه را در مال همسایه میراث دهند» (همان: ۱۲۵). از جمله سنت های پسندیده، برخورد شایسته با همسایگان است. «مسلمان کسی است که همسایه‌اش را اذیت نمی‌کند و در تمام غم‌ها و شادی‌های زندگی همراه اوست و در رفع مشکلاتش تلاش می‌کند. اگر حاجت به تو آرد، حاجتش روا کنی و چون بیمار شود به پرسیدن او بروی... حق همسایه چندان است که حق مادر و پدر» (همان: ۱۲۶).

۲-۶-۶. صلۀ ارحام، پیوستن با اقربا

خداوند ما را به صلۀ ارحام بسیار سفارش کرده است. در قرآن می‌خوانیم: «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ» (نساء: ۱)؛ «گفت: الی رحم من رحم، رحم تو را از آن نام خود کردم. پس هرکس از تو ببرد من از او ببرم... کسی با خویشان در هم پیوندد، اگر عمر او سه سال مانده باشد، خدای تعالی سی سال در عمر او زیاده گرداند و اگر کسی از اقربای خویش ببرد، فرمان شود تا از لوح محفوظ نام او پاک گردانند» (دهلوی، ۱۲۸۸: ۱۳۰).

۲-۶-۷. عیادت بیمار

عیادت بیمار در مکتب انسان‌ساز اسلام، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا این رفتار نیک به‌جز رضایت خدا، سبب تحکیم روابط انسانی می‌شود. «هرکه به پرسیدن بیمار برود، خدای تعالی فرمان دهد تا هفتاد هزار نیک در نامه عمل او بنویسد و هفتاد هزار بدی را از نامه او پاک کند» (همان: ۱۳۱). دلجویی کردن و تقویت روحی بیمار جزء حقوق مؤمنان بر یکدیگر است. «چون کسی بیمار شود، بعد سه روز به پرسیدن بیمار روند و چون نزدیک بیمار روند، پندش دهند که خدای تا بنده را دوست ندارد، بیماری ندهد و این سعادت آن کسی راست که او را به بیماری مبتلا گرداند» (همان: ۱۳۰). همچنین «بر صدقه دادن او را حریص کنند» (همان: ۱۳۱).

۲-۶-۸. هم‌نشینی با نیکان و خدمت به خلق

عرفان اسلامی سرشار از تعالیم اخلاقی و الهی است که مصاحبت و هم‌نشینی با نیکان را فرصتی برای رسیدن به کمالات اخلاقی و اخروی می‌داند. «یک ساعت صحبت نیک به از عبادت صدساله است. پس هرکه صحبت نیک گیرند، دولت هر دو سرا یافت و هرکه صحبت بد گیرند، او از جمله سعادت‌ها محروم گشت» (همان: ۱۵۸). لذا «صحبت نیکان به از کار نیک است و صحبت بدان بدتر از کار بد است» (همان: ۱۵۷). چشتیان همچنین به ایجاد محبت و دوستی بین انسان‌ها تأکید داشتند و بر این باور بودند که نام دیگر مذهبشان خدمت به خلق خداست. از این‌رو هر تلاشی در جهت خدمت به خلق را شایسته تقدیر می‌دانستند. در این باره نظام‌الدین «فرمود: مرا در واقعه کتابی دادند در آن مسطور بود؛ تا توانی راحتی به دل می‌رسانی که دل مؤمن محل ظهور ربوبیت است. می‌فرمود که در بازار قیامت هیچ کالایی را آنچنان رواج نخواهد بود که دریافت دل‌ها را» (محدث دهلوی، ۱۳۸۳: ۱۰۷).

۲-۶-۹. صدقه

صدقه به معنی پرداخت مالی است که برای رضای خدا انجام می‌شود، خواه واجب باشد و خواه مستحب. نظام‌الدین شرایطی را برای آن برمی‌شمارد: «در صدقه پنج شرط موجود

شود. بی‌شک آن صدقه قبول باشد و از آن پنج شرط دو پیش از عطاست و دو در حالت عطاست و یکی بعد از عطاست؛ اما آن دو شرط که پیش از عطا است، یکی آن است که آنچه خواهد داد از وجه حلال باشد و دوم شرط، آنکه نیت کند که به مردی صالح دهد، به کسی که در وجه فساد خرج نکند؛ یعنی به اهل صلاح دهد و آن دو شرط که در حالت عطاست، یکی آن است که به تواضع و بشاشت دهد و به انشراح دل دهد؛ دوم شرط آنکه در خفیه دهد و آن یک شرط که بعد از عطاست، آن است که آنچه دهد، پیش کسی آن را بر زبان نیارد و ذکر آن نکند؛ هرآینه آن صدقه قبول افتد» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۴۵ و ۴۶).

۲-۶-۱۰. اطعام

یکی از ویژگی‌های طریقت چشتیه مهمان‌نوازی آن‌هاست. آنچه داشتند، نزد مهمان می‌آوردند و در صورت نیاز با فروش وسایل و گاه ضمن عذرخواهی تنها با لیوانی آب از او پذیرایی می‌کردند. خواجه «اطعام را بهتر و بالاتر از تصدق (صدقه دادن) می‌داند» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۴۷). حس انسان‌دوستی او به گونه‌ای است که می‌گوید: «چندین مساکین و غربا و درویشان در کنج‌های مساجد و دکان‌های بازار گرسنه و به فاقه افتاده باشند؛ چگونه طعام در حلق من فرورود و من به چه دل‌خوشی دست به طعام برم» (لعل بدخشی، ۱۳۷۶: ۳۷۳).

۳. نتیجه‌گیری

طریقت چشتیه به کمک آداب و تعالیم خاص خود توانستند اسلام را در شبه‌قاره هند گسترش دهند و نهادینه سازند. این طریقت با رویکرد عمل‌گرایانه خود از طریق مشایخ بین مردم تأثیرگذار بوده‌اند. آن‌ها همواره جنبه عملی عرفان را مد نظر و بر شریعت تأکید داشته‌اند؛ چراکه طی طریق را مستلزم گذر از آن می‌دانند. آن‌ها از مجالس وعظ به‌عنوان مهم‌ترین ابزار ترویج و تبلیغ اندیشه‌های خود بهره می‌بردند؛ که می‌توان آن را از خلال سخنانشان دریافت. نظام‌الدین اولیا یکی از بزرگان این فرقه در شبه‌قاره هند است؛ رفتارهای عملی خواجه، در کنار تعالیمش در مجالس به‌خوبی معرف نگرش و آموزه‌های

اوست. امیرحسن سجزی و امیر خسرو دهلوی، سخنان شیخ خود را با عنوان *فوائد الفوائد*، *افضل الفوائد* و *راحة المحبین* گرد آورده‌اند. یکی از شیوه‌های مهم پی بردن به اندیشه‌های یک فرد تحلیل آثار اوست. این نوشتار به‌اجمال به تحلیل ملفوظات نظام‌الدین اولیا پرداخته است. براساس مباحث مذکور این نتیجه به دست می‌آید که وی حنفی‌مذهب و اشعری‌مسلك است. در حوزه کلام در بحث جبر، اختیار و رؤیت خدا همچون اشاعره می‌اندیشد و بر این باور است که فاعل همه افعال خداست. طبق دیدگاه وی، آنچه سرنوشت برای انسان رقم می‌زند، قابل تغییر نیست و باید در مقابل خواست و اراده باری تعالی تسلیم بود. در باب رؤیت خداوند نیز معتقد است که می‌توان خدا را با چشم سر در قیامت دید.

محوری‌ترین آموزه‌های نظام‌الدین، تأکید فراوان او در پابندی به شریعت است. مراد همچون مرید باید تمام واجبات و فرائض و حتی مستحبات شرع را موبه‌موا اجرا کند. بر گزاردن نمازهای واجب و مستحب، روزه گرفتن، پرداخت زکات و قرائت قرآن تأکید می‌کند و از سالک طریق می‌خواهد علاوه بر انجام آن‌ها، اذکار را نیز بخواند. وی مریدان را به تسلیم محض در برابر پیر دعوت می‌کند. سالک از آن هنگام که قدم در طریق سلوک می‌گذارد، ناگزیر از داشتن پیری راهدان است تا در سایه تعالیم او از تمامی تعلقات که وی را از سلوک بازمی‌دارد، مفارقت یابد. او همانند صوفیان دیگر رازداری، تزکیه، بیعت، مجاهده مشاهده، ذکر، سماع، آداب خرقه‌پوشی، رابطه مرید و مراد را از آداب و رسوم سلوک می‌داند. مقاماتی که خواجه برمی‌شمارد، توبه، زهد و ترک دنیا، صبر، خوف و رجا، توکل، تسلیم و رضا است. وی استغراق در یاد حق را به واسطه تزکیه نفس میسر می‌داند. از دشواری‌های سلوک سخن می‌گوید و معتقد است ظاهربینی، خشم و شهوت، سعایت، خنده، بهتان و سوگند دروغ از موانع طریقت است. از دیگر مباحث مطرح‌شده می‌توان مفاهیم اخلاقی و اجتماعی را برشمرد که همواره در سلوک مورد توجه است و سالک ملزم است رعایت کند. در نگاه اجتماعی، همه مخلوقات الهی

شایسته محبت‌اند. خواجه مریدان را به اطعام، شفقت، مدارا، تواضع، پرده‌پوشی، احترام به والدین و پیران، حق همسایه، عیادت بیمار، مصاحبت و دادن صدقه ترغیب می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

1. Emeers And Disciples of Hazrat Nizamuddin Auliya
2. Reading Fawid-al-Fuad: Text, Testimony and history

منابع

قرآن کریم.

آریا، غلامعلی. (۱۳۶۵). *طریقه چشتیه در هند و پاکستان و خدمات پیروان این طریقه به فرهنگ اسلامی و ایرانی*. ج ۱. تهران: زوار.

ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۹۷۶). *مقدمه ابن خلدون*. بیروت: دارالقلم.

ارنست، کارل. (۱۹۹۲). *مکتوب شدن تعالیم شفاهی در طریقه چشتیه متقدم*. ترجمه مسعود فریامنش. *آینه پژوهش*. ۲۵ (۴)، ۵-۱۴.

اسماعیلی، محمد. (۱۳۹۴). *نقش آموزه زهد در سلوک نظام‌الدین اولیا و تأثیر آن بر نظام فکری چشتیان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه خوارزمی.

انوشه، حسن. (۱۳۸۰). *دانشنامه ادب فارسی در شبه‌قاره (هند پاکستان بنگلادش)*. جلد چهارم بخش سوم غ-ی. چ ۱. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

انوشه، حسن. (۱۳۸۱). *فرهنگ‌نامه ادبی فارسی دانشنامه ادب فارسی*. چ ۲. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

الرحمن، عتیق. (۱۳۹۷). *خدمات سلسله چشتیه به زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره هند*. مجله قند پارسی، شماره ۷۵-۷۸، ۹۹-۱۸۸.

الهدیه، شیخ عبدالرحیم. (۱۳۸۶). *خواجگان چشت، سیرالاقطاب*. مقدمه و تصحیح، فهرست و توضیح محمد سرور مولایی. تهران: علم.

بستانی، فواد. (۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی*. چ ۲. تهران: اسلامی.

پاکتچی، احمد. (۱۳۹۲). *جریان‌های تصوف در آسیای مرکزی*. چ ۱. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات بین‌المللی الهدی.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). *غرر الحکم و درر الحکم*. انتشارات حوزه علمیه قم. دفتر تبلیغات اسلامی.

حلبی، علی اصغر. (۱۳۸۵). *مبانی عرفان و احوال عارفان*. چ ۳. تهران: اساطیر.

جامی، نورالدین عبدالرحمن. (۱۳۸۴). *نفحات الانس*. تصحیح محمود عابدی. تهران: نشر سخن.

چیتیک، ویلیام. (۱۳۸۹). *درآمدی بر تصوف و عرفان اسلامی*. ترجمه جلیل پروین. چ ۲. تهران: انتشارات حکمت.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه*. چ ۲. تهران: دانشگاه تهران.

دهلوی، خواجه حسن. (۱۳۷۷). *فوائد الفوائد*. ملفوظات خواجه نظام الدین اولیا بدیوانی. تصحیح محمدلطیف ملک. به کوشش محسن کیانی. چ ۱. تهران: روزنه.

دهلوی، امیرحسن. (۱۳۸۵). *فوائد الفوائد*. تصحیح توفیق ه سبحانی. تهران: زوار.

دهلوی، امیر خسرو. *افضل الفوائد*. نسخه خطی. شماره میکروفیلم ۳۰/۳. تاریخ کتابت: ۱۲۸۸. (اساس پژوهش قرار گرفت).

دهلوی، امیر خسرو. *افضل الفوائد*. نسخه خطی. میکروفیلم ۶۶/۶. تاریخ کتابت: ۱۰۸۰. شماره کتابخانه ۱۴۷۵/۵.

دهلوی، امیر خسرو. *راحة المحبین*. نسخه خطی. تاریخ کتابت: ۱۲۹۰. میکروفیلم ۳۲۰۳. فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. جلد ۲. تألیف محمدتقی دانش پزوه صفحه ۹۸؛ که اصل آن در کتابخانه بانکی پور هند به شماره ۱۶۴۲ (قسمتی از رساله) جلد ۱۷ صفحه ۱۱۴ است.

ذکاوتی قراگزلو، علیرضا. (۱۳۷۷). *روزبهان بقلی فوائد الفوائد*. نشریه کتاب ماه ادبیات، شماره ۱۴، ۲۹-۳۰.

رضوی، سید اطهر عباس. (۱۳۸۰). *تاریخ تصوف در هند*. ترجمه منصور معتمدی. چ ۱. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۵). *دنباله جستجو در تصوف ایران*. چ ۶. تهران: امیرکبیر.

سبحانی، ه. توفیق. (۱۳۷۷). *نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند*. چ ۱. انتشارات شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.

سجادی، سید ضیاءالدین. (۱۳۸۸). *مقدمه بر مبانی عرفان تصوف*. چ ۱۵. تهران: سمت.

شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم. (۱۳۳۵). *الملل و نحل*. ترجمه افضل الدین صدر ترکه اصفهانی. تصحیح و تحشیه سید محمدرضا جلالی نایینی. چ ۲. چاپخانه تابان.

صابراق‌کند، زینب. (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی تعالیم عرفانی در فیه مافیه مولوی و فوائد الفؤاد نظام‌الدین اولیا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۳۶۴). اخلاق ناصری. تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری. چ ۳. تهران: انتشارات خوارزمی.

عباسی، بابک. (۱۴۰۱). دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

علیم، اشرف خان. (۱۳۸۴). ملفوظات حضرت نظام‌الدین اولیا و اخوت جهانی. مجله فند پارسی، شماره ۳۱، ۱۷۹-۱۹۱.

علیم، اشرف خان. (۲۰۰۱). فوائد الفؤاد و تعلیمات حضرت نظام‌الدین اولیا. تحقیقات فارسی، شماره ۱، ۱۳۲-۱۴۸.

عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۶۶). پژوهشی در پیدایش و تحولات تصوف و عرفان. تهران: امیرکبیر. غزالی، ابوحامد امام محمد. (۱۳۸۰). کیمیای سعادت. ربع مهلکات و ربع منجیات. به کوشش حسین خدیوجم. چاپ نهم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

کاردگر، یحیی، فولادی، محمد، و رحیمی زارع، زهره. (۱۴۰۳). بررسی ساختار مجالس نظام‌الدین اولیا براساس تکنگاری‌های مریدان او. مجله نشرپژوهی ادب فارسی دانشگاه کرمان، ۲۷ (۵۶)، ۱۱۷-۱۳۵.

کاشانی، عزالدین محمود بن علی. (۱۳۸۹). مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة. تصحیح جلال‌الدین همایی. چ ۱. تهران: زوار.

لعل بدخشی، لعل بیگ. (۱۳۷۶). ثمرات القدس من شجرات الانس. مقدمه، تصحیح و تعلیقات سید کمال حاج سید جوادی. چ ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

محدث دهلوی، عبدالحق. (۱۳۸۳). اخبار الانخيار فی اسرار الابرار. تصحیح و توضیح علیم اشرف خان. چ ۱. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

نراقی، مهدی. (۱۳۶۶). جامع السعادة. ترجمه سید جلال‌الدین مجتبی. تهران: حکمت.

Ahmed, Shaikh Ishtiaque. (2010). Emeers and Disciples of Hazrat Nizamuddin Auliya. University of Jawaharlal Nehru, India. *Journal of Subcontinent Researches*, 2(4), 109-116.

Chakravarty, G. (2010). Reading Fawid-al-Fuad: Text, Testimony and history. University of Delhi, India. *Journal of Subcontinent Researches*, 2(4), 55-62.

An Analysis of Nizamuddin Olya's Mystical Thoughts in His Majalis Monographs

Yahya Kardgar

Professor of the department of persian language and literature, university of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author); Email: Kardgar1350@yahoo.com

Mohammad Foladi

Associate professor department of persian language and literature, university of Qom, Qom, Iran; Email: Dr.mfoladi@gmail.com

Zohre Rahimi Zare

Ph.D student department of persian language and literature, university of Qom, Qom, Iran; Email: zrahimizare@gmail.com

Received: 30/10/2024

Accepted: 11/10/2025

Introduction

India has been a hotbed of Sufi thought since ancient times. One of the most influential Sufi orders in India is the Chishti sect. Like other Sufi orders, the Chishti had their own customs, ideas, and beliefs. They were Hanafi. Their beliefs can be understood through the speeches and discussions they held during their meetings. The spread of this order in India was carried out by Muin al-Din Sajzi Chishti (d. 633) and it reached the peak of its fame and prominence during the time of Khwaja: Nizamuddin Olya. He “expressed clear views on Sharia and Sunnah”. Nizamuddin spent his life cultivating disciples. Among his disciples, Amir Hassan Sajzi and Amir Khosrow Dehlavi hold a special place. These two recorded the Sheikh's sayings, speeches, and gatherings in the form of works and published them under the name Malfuzat. Understanding Nizamuddin Olya requires examining texts that are directly related to him in order to accurately analyze the Sheikh's mystical views and thoughts. Considering the above-mentioned premises, the following questions arise: what topics do Nizamuddin's thoughts and ideas include and how much attention does he pay to Sharia?

Research Method

Understanding the thoughts of Nizamuddin Olya can explain a major part of the mystical thoughts of the Chishtiyya. Direct reference to the Sheikh's surviving works is a guide to a precise understanding of his mystical teachings. Amir Khusro Dehlavi and Hassan Dehlavi, familiar names in Indian culture and literature, are among the disciples of Nizamuddin; they recorded and included his gatherings in their works. Considering their prominent scientific and literary status and the importance of their works in understanding: Nizamuddin Olya; it is possible to approach: Nizamuddin Olya's teachings by analyzing the aforementioned works in a detailed and comprehensive manner. The present study, in a descriptive-analytical manner, has attempted to present a comprehensive picture of him by criticizing and analyzing the monographs of the Sheikh's gatherings and explaining his concerns through the gatherings.

Discussion

One way to understand mystical figures is to examine the sources written about them. Mystics strive to achieve spiritual perfection; to find the path to divine knowledge and show it to others. In this section, we seek to introduce the face of Nizamuddin through monographs; to gain insight into his intellectual, doctrinal, and behavioral aspects.

Manners of conduct

Siroslok is the most important part of practical mysticism. A person who intends to follow the spiritual path must observe the rules of conduct, which are essential for this path. The Chishtiyyah path adheres to principles and methods to guide the seeker to the main destination, namely the knowledge of the truth. Therefore, these principles can be found in his treatises and books. According to Nizamuddin, "the elder always maintains the side of the Sharia in guiding his disciples and is documented in the Sunnah for the instructions he gives in conduct". The customary rules from the perspective of the Khajeh are: secrecy, purification, allegiance, struggle, observation, remembrance, listening, the etiquette of wearing a robe, the etiquette of the disciple and the desired one.

The states and stages of conduct from Nizamuddin's perspective

The stages are the stages that the disciple must go through on the path and in reaching perfection. In the order and description of the stages, there are aspects of difference and similarity. Repentance, asceticism and renunciation of the world, patience, fear and hope, trust, submission and contentment are the stages that Khwaja has discussed.

Obstacles to the path

After passing through the ranks, it is necessary to be aware of the obstacles to conduct. Despite the veils, passage is not easy. Therefore, abandoning and avoiding vices takes precedence over adorning the soul with moral virtues. Appearance, anger and lust, striving, laughter, slander, and false oaths are obstacles that the eunuch has condemned.

Sharia in the majalis

In the Chishtiyya order, "Sharia precedes the path and they consider the path to require passing through it. Not only the disciples but also the sheikh must carefully fulfill all religious obligations and obligations and even religious recommendations".

Theological thoughts of the sheikh

Nizamuddin's thought originated from Islamic teachings. He is a Hanafi and boasts of it; "The right of Allah Almighty to give us these blessings. He did not give anyone. First, he made us from the nation of the Messenger of Allah, peace be upon him. Praise be to Allah; second, he made us from the nation of Abraham, the friend of Allah, the one who is in the school of the Great Imam, namely; Abu Hanifa, the Kufic; fourth, he created a Muslim and made him the one who says La ilaha illallah Muhammad is the Messenger of Allah". His theological guardian Ibn Mayah is Ash'ari in the area of predestination and free will and seeing God on the Day of Judgment. This idea is embedded in the mind of Khwaja Nizam al-Din that "seeing God on the Day of Judgment after death is possible".

The Sheikh's Moral and Social View

The moral points that the Sheikh refers to in his meetings have a prominent social dimension. Companionship and fellowship with people, humility, affection and

brotherhood between people, charity, forgiveness and tolerance, mercy and compassion, veiling, respect for the elderly, the right to be a neighbor, kinship ties, visiting the sick, and feeding are among the most important moral points that the Sheikh calls upon his audience to follow.

Conclusion

The Chishtiyyah order, with the help of its own customs and teachings, was able to spread and institutionalize Islam in the Indian subcontinent. This order has been influential among the people through its pragmatic approach through its sheikhs. They have always considered the practical aspect of mysticism and emphasized the Sharia; because they consider the path to the path to require passing through it. : Nizamuddin Olya is one of the elders of this sect in India; the practical behavior of the cleric, along with his teachings in the assemblies, is a good representation of his attitude and teachings. Amir Hassan Sajzi and Amir Khusro Dehlavi have collected the speeches of their sheikh under the titles "Fawayid al-Fuad", "Afzal al-Fuayid" and "Rahat al-Muhabeen". By analyzing these works, one can understand Nizamuddin's thoughts; Based on the above discussions, it is concluded that he is a Hanafi and Ash'ari scholar. In the field of theology, he thinks like the Ash'aris in the discussion of predestination, free will, and seeing God, and he believes that the doer of all God's actions is. According to his view, what a person experiences in his destiny; is already determined for him and man has no ability to change it and must submit to the will and will of God. Regarding seeing God, he also believes that one can see God with the eyes of the head on the Day of Judgment.

The most central teachings of Nizamuddin are his strong emphasis on adherence to the Sharia, meaning that as a disciple, he must perform all the obligatory and recommended and even recommended acts of the Sharia to the letter. He emphasizes performing obligatory and recommended prayers, fasting, paying zakat, and reciting the Quran; he asks the path seeker to recite the dhikr in addition to performing them. He calls on his disciples to complete submission to the elder. Like other Sufis, he considers secrecy, purification, allegiance, striving to observe, remembrance, listening, the manners of wearing the robe, the relationship between the disciple and the disciple, and love to be among the customs and traditions of the path. The positions that Khwaja lists are repentance, asceticism, and renunciation of the world, patience, fear and hope, trust, submission, and contentment. He considers immersion in the remembrance of the truth possible through purification of the soul. He speaks of the difficulties of the path and believes that externalism, anger and lust, striving, laughter, slander, and false oaths are obstacles to the path. Among other topics raised, one can mention the ethical and social concepts that are always considered in the path and that the seeker is obliged to observe. From a social perspective, all divine creatures are worthy of love. Khwaja encourages his disciples to be affectionate and friendly, humble, and give charity.

Keywords: Nizamuddin Olya, monograph, Fawayed al-Faw'ad ,Afdhal al-Fawayed, Rahat al-Mohebei.